

A comparative study of traditional arts teaching methods in Iran and Japan (case example: Two books for teaching art grades 7-9)

Zahra Ebrahimpour, Master student of Iranian Islamic Art History, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran (Correspondin Author).
Email: Ebrahimpourmana5@gmail.com

Sahar changiz, Professor of Art Research Department, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran. Email: S.changiz@ferdowsmashhad.ac.ir

Atefeh fazel najaf abadi, Assistant professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Islamic Art University of Tabriz, Email: Fazel9911@gmail.com

Abstract

By examining the type of traditional art education in Japan as an advanced country in the direction of education and continuing it in the direction of promoting and improving the works, now is the time to target the same way of working in the education of traditional art to the students of the first secondary level in Iran. In line with that, this method was compared and matched by combining teaching methods. What is neglected in these trainings is the training of traditional arts. This research aims to provide a comparative study of the methods of teaching traditional arts in Iran and Japan and to use the methods of teaching traditional arts in Japanese schools further to improve the teaching methods in Iran. The necessity of conducting the present research considering the educational system of advanced countries, where most of the curriculum of the first secondary course is devoted to subjects such as art and special activities such as the establishment of cultural and artistic festivals, and so on, has been allocated, it caused the investigation of this issue in comparison with Iran, so that the cause of the lack of these programs in the educational process of teenagers can be evaluated as much as possible. Now, the question is, what are the commonalities and differences between traditional art education in Japanese and Iranian schools? Or how to use traditional art teaching methods in Japanese schools to teach the same type of art at one of Iran's educational levels? The method of collecting materials and data used was library, document, and field, which was done with a descriptive and analytical approach.

Keywords

Art education in Japan, Traditional arts, First secondary level





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شیوه‌های آموزش هنرهای سنتی در ایران و ژاپن (نمونه موردی: کتاب هنر مقطع متوسطه اول)

زهرا ابراهیم پور^۱، سحر چنگیز، عاطفه فاضل نجف آبادی

چکیده

هنر ایران همواره دستخوش تغییراتی در جهت پیشرفت بوده است. الگو شدن بسیاری از شیوه‌ها برای رشد هنر در ایران (به‌خصوص هنرهای سنتی) سبب شد تا به الگو شدن یکی از کشورهای رو به رشد در این زمینه بپردازیم. با بررسی نوع آموزش هنر سنتی در ژاپن به عنوان کشوری پیشرفته در جهت آموزش و ادامه آن منظور پیشرفت آثار، اکنون باید همین شیوه کار را در آموزش هنر در مقطع متوسطه اول در ایران را هدف قرار داده که در راستای آن با تلفیق شیوه‌های آموزش، این شیوه را مقایسه و تطابق قرار داد. چیزی که در این آموزش‌ها نادیده گرفته شده، آموزش هنرهای سنتی است. هدف از ارائه این پژوهش نحوه ارائه شیوه‌های آموزش هنرهای سنتی در ژاپن و در ادامه بهره‌گیری از این شیوه در آموزش هنرهای سنتی در مدارس ایران است. ضرورت انجام پژوهش حاضر با توجه به نظام آموزشی ژاپن که بخش اعظم برنامه درسی دوره متوسطه اول به درس‌هایی مثل هنر و... اختصاص یافته است، سبب بررسی این موضوع در مقایسه با ایران شد تا علت کمبود این برنامه‌ها در روند درسی نوجوانان ارزیابی شود. اکنون چه اشتراکات و افتراقاتی میان آموزش هنر سنتی در مدارس ژاپن و ایران وجود دارد؟ چگونه می‌توان از شیوه‌های آموزش هنر سنتی در مدارس ژاپن برای آموزش همین نوع هنری در یکی از مقاطع تحصیلی ایران بهره گرفت؟ روش گردآوری مطالب و داده‌های مورد استفاده کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی بوده که با رویکرد توصیفی و تحلیلی انجام شد.

واژگان کلیدی:

متوسطه اول، هنر در ژاپن، هنرهای سنتی.

مقدمه

بر پایه اصول درسی، تربیت هنری در ایران زمانی آغاز شد که از سال ۱۳۱۶ تاکنون، حوزه‌های محتوایی هنر که در دوره‌های تحصیلی در برنامه درسی هنر گنجانده شده‌اند در دستور تدریس قرار گرفت. به دلیل عدم تمرکز قشری خاص از هنرمندان بر روی مباحث کتب درسی، فصل بندی یا حتی مبانی هنر به طور پراکنده در دستور کار قرار گرفته بود و تنها بخش طراحی و نقاشی از فصل خوش‌نویسی جدا شده بود. در یک پرسش و پاسخ کوتاه به صورت آماری و اختیاری، اکثر افرادی که از نیمه‌های دهه هفتاد، کتاب هنر را در سه دوره راهنمایی (متوسطه اول) گذرانده بودند، به نوعی با وحشت به آن توجه می‌کردند؛ چراکه هنر را به جهت سرگرمی در دوران دبستان می‌دانسته و اکنون در مواجهه با کپی برداری‌های مشابه روبه‌رو شده که درک هنری آنان را به اضمحلال کشانده بود. متولدین دهه شصت و تا نیمه‌های هفتاد از هنر تنها نامش را به خاطر سپرده بودند یا شاید کتابی که اصلاً تدریس نشده و تنها در آخر سال برای کسب هر نمره‌ای اندکی با آن برخورد کردند. باید این را هم در نظر گرفت که ساعات آموزش هنر تقریباً هفتاد درصد افت داشته است که در مقایسه با بالاترین میزان ساعات آموزش هفتگی سال ۱۳۴۲ و حتی با لحاظ کردن ساعات آموزش هفتگی از ۲۸ ساعت به ۲۴ ساعت کاهش ساعت (افت حدود ۱۵ درصد). در بخش تدریس هنر قابل توجه نیست و حکایت از بی‌توجهی عمیق به این آموزش در حال حاضر دارد که در طول تاریخ آموزش در ایران، سابقه نداشته است (مهر محمدی، ۱۳۸۳: ۱۷).

با رویکردهای متفاوت هر ارگان اداری، نهاد آموزش و پرورش در جامعه، دارای کارکردهای مختلفی بوده است. از نیمه‌های دهه هفتاد، گنجانده شدن کتاب هنر در لایه‌های دیگر کتب درسی، نشان از اهمیت این درس مانند سایر دروس شد؛ اما به دلیل کمبود یا عدم وجود معلم متخصص در این زمینه، می‌توان اذعان داشت فقر هنری در بین اقشار آن دوره بیش از پیش ملموس و قابل مشاهده بود. در دهه‌های اخیر این امر مستلزم آن شد تا در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌ها، استعداد‌های هنری و زیبایی شناختی دانش‌آموزان، آموزش و پرورش در ایران یکی از این کارکردهای اصلی خود را که مبین بخش مهمی از هدف‌های این نهاد است، تلاش برای بازپروری دانش‌آموختگان در این حوزه است؛ آنچه که اصطلاحاً تربیت هنری نامیده می‌شود. آیزنز (۲۰۰۲)^۱، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های بنیادی آموزش را تدارک جایگاهی معقول برای هنر در برنامه درسی می‌داند؛ گویی که آموزش هنر باید به یک بخشی اساسی از برنامه درسی مدارس مبدل شود و هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه (خواندن، نوشتن و حساب کردن) که به رسمیت شناخته شده‌اند، به عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه (4thR) در برنامه درسی تأکید شود (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۷۱). کشور ژاپن در انتخاب این راه، چه بسا زودتر از ایران اقدام کرد و در جهت پرورش فکری و استعدادی دانش‌آموزان خود، به صورت بنیادی از همان پایه ابتدایی،

درس هنر را در کتب قابل تدریس گنجانند. از دلایل رشد فرهنگی جامعه ژاپن، آموزش اصول زندگی با رویکردی هنری است. تمامی دانش‌آموزان کشور ژاپن به صورت حرفه‌ای در هر مقطعی با هنر برخورد داشته و در شناخت استعداد خویش به وسیله هنر گامی اساسی را برای آینده رقم زده‌اند. انتخاب کتاب هنر مقطع متوسطه اول در دو کشور صرفاً جهت بررسی هنرهای سنتی از دیدگاه آموزشی بوده و تطبیق شیوه‌های پیشرو با هنر سنتی ژاپن می‌تواند راهگشای پردازش به امر فراموش شده هنرهای سنتی در کتب درسی باشد. در این باره، فعالیت‌ها و محتوای برنامه درسی هنر نخستین گامی است که در جهت آموزش مهارت‌های اساسی برداشته می‌شود و موقعیت‌های یادگیری پر باری را برای همه آن‌ها فراهم می‌سازد. در سایه پرورش تفکر و تخیل آنان، اندیشه و هنر جدیدی تولید می‌شود و با فهم معنای مستتر در تولید هنری با ویژگی‌های پیش گفته، احساس شوق، شمع و رضایت درونی حاصل می‌شود.

آموزش هنر دارای کارکردهای بسیار مهمی است که می‌تواند شخصیت فرد را برای اجتماعی زیستن، دقیق و حساس بودن پرورش دهد. اهمیت کارکرد بالا بیانگر این واقعیت است که آموزش هنر و تربیت هنری در رشد و بروز استعدادها و قابلیت‌های شناختی، عاطفی و مهارتی دانش‌آموزان نقش و تأثیری سازنده دارد. این تأثیرات البته به دلیل وجود قابلیت‌های ذاتی و نهفته در قلمرو هنر است؛ چراکه هنر تجسم خلاقیت انسان و حس زیبایی‌شناسی اوست. درس فرهنگ و هنر فرصتی را برای پرورش حس زیبایی‌شناسی و خلاقیت، تسهیل یادگیری درس‌های دیگر، بیان آزادانه احساسات، کشف مشکلات عاطفی و رفتاری، ابراز وجود و ارائه تجربه‌های شخصی، تشریح مساعی فکری، تلطیف عواطف، توسعه ارزش‌ها و نظایر آن فراهم می‌آورد. از همین رو آموزش هنر به نوجوانان بر پایه نوع تدریس آن در کشور ژاپن و آشنا کردن آن‌ها با هنرهای سنتی که بر پایه طبیعت درونی و بیرونی هر شخص صورت پذیرفته، دارای اهمیت و ضرورت تام است. بدین ترتیب، هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر و کمبود آموزش هنرهای سنتی در دوره متوسطه اول در ایران بر پایه نوع تدریس آن در ژاپن است. اکنون سؤال اینجاست که چه اشتراکات و افتراقاتی میان آموزش هنر سنتی در مدارس ژاپن و ایران وجود دارد؟ و اینکه چگونه می‌توان از شیوه‌های آموزش هنر سنتی در مدارس ژاپن برای آموزش همین نوع هنری در یکی از مقاطع تحصیلی ایران بهره گرفت؟ روش گردآوری مطالب و داده‌های مورد استفاده کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی بوده است که با رویکرد توصیفی و تحلیلی به انجام رسیده است.

پیشینه پژوهش

ناظری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی آموزش در ژاپن و ایران: ژاپن چگونه ژاپن شد» این طور اذعان می‌دارد که روش‌های آموزشی در ایران بیشتر بر

مبنای حفظیات و امتحانات متمرکز است. در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی در کلاس‌های درس صورت گرفته است. روش‌های آموزشی بر پایه تعامل و مشارکت فعال دانش‌آموزان بنا شده است. آموزش عملی و فعالیت‌های گروهی نیز بخش مهمی از سیستم آموزشی ژاپن را تشکیل می‌دهند.

با توجه به جهانی شدن آموزش هنر، رستم بیگی (۱۴۰۰) در پژوهش خود به نام «جهانی شدن در تولید و آموزش هنرهای سنتی» جهان‌بینی جدید را با ایده دهکده جهانی، همه تمدن‌ها را به سمت جهانی شدن سوق می‌دهد. آنچه اهمیت دارد، تعامل میان ایده جهانی شدن و حفظ فرهنگ بومی و سنتی و هنرهای وابسته بدان با توجه به تغییرات پدیدآمده در نظام نوین آموزشی است. جهان‌بینی جدید با ایده دهکده جهانی همه تمدن‌ها را به سمت جهانی شدن سوق می‌دهد. آنچه اهمیت دارد تعامل میان ایده جهانی شدن و حفظ فرهنگ بومی و سنتی و هنرهای وابسته بدان با توجه به تغییرات پدیدآمده در نظام نوین آموزشی است.

جوانعلی آذر (۱۴۰۰) در دیگر پژوهشی بنام «جستجوی ردپای آموزه‌های نظام تعلیم سنتی هنر در آموزش مدرن» مبحث استاد شاگردی رو اینطور در بیان هنر سنتی می‌پوشاند که شاگرد حین یادگیری تکنیکی هنر مربوطه، مفاهیم اخلاقی را هم تجربه می‌کند و بنابر میزان ارادت و اطاعتش از استاد و عمق رابطه‌ای که با استاد برقرار می‌کند، می‌تواند به یک معرفت و سلوک درونی برسد.

طباطبایی (۱۴۰۰) در پایان نامه خود با نام «طراحی مدرسه هنرهای سنتی با الهام از فضاهای آموزشی سنتی» هنرهای سنتی را لازمه فضای آموزشی دانسته و بر ضرورت یادگیری این امر تأکید می‌کند. طبق بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته این موضوع میتواند ملاک نوع فضا و قرارگیری دانش آموز در محیط باشد که به روند تدریس کمک می‌کند.

رهبری کهجوق (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن با معیارهای جدید» این طور بیان می‌کند که بررسی تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن نشان می‌دهد که هر دو کشور با مسائل و فرصت‌های منحصر به فردی مواجه هستند. با استفاده از تجربیات موفق ژاپن و تطبیق آن با شرایط ایران، می‌توان به بهبود کیفیت آموزشی در کشورمان کمک کرد.

در پژوهش‌های غیرفارسی (از آنجاکه منبع‌نویسی با پیشینه‌نویسی متفاوت است در این چند مورد کتب و منابعی که مربوط به آموزش هنر در ژاپن است را مورد بررسی قرار داده‌ام). کین (۱۹۷۱)، در کتاب «مناظر و پرتره‌ها: گرامی‌داشت فرهنگ ژاپن» هنر ژاپن را معرفی کرده و در ضمن به دوره‌های مختلف نیز می‌پردازد.

استون (۱۹۹۱) در کتاب «روشنگری اصیل و دگرگونی بودیسم ژاپنی قرون وسطا» بر چگونگی تأثیر آیین بودیسم بر هنر ژاپن تمرکز دارد و به دوره قرون میانی ژاپن نیز می‌پردازد که چگونه هنر سنتی متأثر از این دوره، آغاز به کار می‌کند.

همچنین، جونپیر (۲۰۰۳) در کتاب «وابی سابی: هنر ژاپنی ناپایداری - درک فلسفه ذن در سادگی» به معرفی و مطالعه بستر فلسفی مفاهیم وابی سابی پرداخته و در زمینه طراحی و نقاشی نیز نکاتی ارائه می‌کند که به منظور درک بهتر هنر سنتی در آثار ژاپنی است. ریچی (۲۰۰۷) در کتاب «رساله‌هایی در باب زیباشناسی ژاپنی» نیز به چگونگی اکتساب ارزش‌های ادراکی هنر و نقاشی ژاپن از طبیعت تمرکز دارد که بر هنر سنتی تأثیر می‌گذارد. ساداتو (۲۰۱۰) در کتاب «کشف هنرهای ژاپن» مروری جامع بر روند تحولات هنر ژاپن در طول تاریخ و مخصوص در زمینه انواع هنر سنتی دارد و فهرستی از آثار برجسته ژاپن ارائه می‌کند و تسوجی (۲۰۱۹) در کتاب «تاریخ هنر در ژاپن» پژوهشی مرجع در زمینه تاریخ هنر ژاپن دارد و به تاثیر آیین‌های سنتی بر هنر ژاپن نیز اشاره دارد. در منابع ذکر شده، مورد مطالعه اغلب یکی از مؤلفه‌های هنر سنتی ژاپن است یا اینکه به شکل و ماهیت هنرهای سنتی ژاپن پرداخته شده و در بیشتر موارد، تمرکز بر آیین سنت به شکل کلی است؛ اما اکنون با توجه به پیشینه‌های ذکر شده این طور باید گفت که با تأکید بر نمونه موردی مورد نظر در این پژوهش به مقایسه تطبیقی شیوه آموزش هنر سنتی در ژاپن و ایران پرداخته نشده است که به صورت ویژه به آن در این پژوهش پرداخته خواهد شد. راهکارهای پیشرو در جهت تدریس هنرهای سنتی با الگوبرداری از آموزش آن در کشور ژاپن، نقطه عطف پژوهش است.

روش پژوهش

نوع تحقیق براساس ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است و مورد مطالعه این پژوهش، کتاب فرهنگ و هنر دوره متوسطه بوده و جامعه مورد مطالعه، مقایسه با آموزش آن در کشور ژاپن است.

روش نمونه‌گیری: به صورت غیرتصادفی و هدفمند بوده که در بستر آموزش رخ می‌دهد. انتخاب غیرتصادفی براساس در دسترس بودن و دیگر معیارهای است که باعث می‌شود داده‌های اولیه جمع‌آوری شود. در این پژوهش هدف تست فرضیات درباره جامعه بزرگتر نیست؛ اما برای توسعه یک فهم و درک اولیه از جمعیت مورد تحقیق یا جمعیت کوچک مناسب است. مورد مطالعاتی به طور هدفمند، یک بار کتاب فرهنگ و هنر مورد بررسی بوده و در مرحله بعد به صورت جامعه آماری نیز دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول در ایران و ژاپن از طریق تحقیق میدانی و مصاحبه است.

ابزار گردآوری این پژوهش استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است. گردآوری اطلاعات با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات از کتاب‌ها، مقالات، سایت‌ها و میدانی است.

تاریخچه هنرهای سنتی در ایران و ژاپن

با بررسی‌های به عمل آمده در هنرهای سنتی ایران و ژاپن می‌توان به این نتیجه رسید که هنرهای سنتی این دو منطقه هر دو در یک قسمتی از زمان دستخوش تغییرات شدند؛ ایران که رو به فراموشی رفت و ژاپن که با دستکاری در آن، دارای زیبایی منحصر به فرد

شد. موقعیت جغرافیایی ایران همواره در دست حکما و فرمانروایانی قرار گرفت که سنت هنر هر منطقه بر آن مستولی شد. در هم آمیختن سبک‌های متفاوت فرهنگی از کهن‌ترین زمان‌ها مشهود است. سفالینه‌هایی که باستان‌شناسان از زیر خاک بیرون کشیده همه میراث‌هایی از فرهنگ‌هایی را آشکار می‌کند که در ساختار اجتماعی آن دوره دارای تفاوت‌های بسیاری بوده است (امینی، ۱۳۸۴: ۱۳). هنر سنتی در ایران معطوف به نقوش کاشی و رنگ فیروزه‌ای نشد؛ بلکه خوش‌نویسی با تغییراتی زیبا به هنر سنتی ماندگار شد. پارچه‌های زربفت ابریشمی با نقوش و طرح‌ها چشم‌نواز و سفالینه‌هایی که اینک با تلفیق سرامیک و لعاب به دست‌سازهای زیبا می‌شوند، معماری و چیدمان‌های سنتی درهم تنیده شده با هنر مدرن، نقاشی‌هایی که اکنون دیواره‌های شهری و المانی را از نقوش سنتی اجاره کرده‌اند و در کل همه ذهن خالق یک اثر که با ترکیب هنر سنتی به آمیزه‌ای زیبا می‌رسد، همه وام‌دار هنر سنتی است (نصر، ۱۳۸۳: ۲۱). با این بررسی‌های اجمالی باید هنر سنتی در جایگاه خود باقی مانده باشد و با تلفیق دیگر هنرها به درجه‌ای بهتر از نوع خود برسد. در تاریخ هنر سنتی ایران همواره نقوشی ثابت با سال‌ها پیشینه تاریخی به بقا و ماندگاری خود ادامه دادند و در این مابین نقوشی نیز بودند که در اندک زمانی به فراموشی سپرده شدند. تحمیل یک سری نمادهای مختلف از مراسم و آیین‌های سایر کشورها به ایران سبب تلفیق و ترکیب اثری بکر و تازه گشت. اکنون با گذشت قرن‌ها از هنر سنت موجود در ایران، بعضی طرح و رنگ‌ها هنوز جایگاه خود را حفظ کرده و دارای زیبایی منحصر به فرد خود هستند (سرکارآرانی، ۱۳۹۳: ۴۸).

از یاد بردن بعضی از هنرها را به پای گذر زمان نمی‌توان نوشت؛ شاید منسوخ شده و از دایره علاقه جمعی خارج شده است. تنها به نقوش نمی‌توان بسنده کرد، بلکه می‌توان هنرهایی را نیز نام برد که در گذر زمان یا به فراموشی سپرده شد یا اینکه با گران شدن ابزار و مصالح ساخت آن، تنها در دست قشر خاصی از جامعه قرار گرفت (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۷). مثلاً هنر چاپ باتیک اکنون به ندرت یافت می‌شود و حتی می‌توان از نمونه مهرهای به‌جامانده از آن دوران در بعضی از فروشگاه‌ها یاد کرد؛ اما چیزی که اکنون مد نظر است، از یاد بردن این هنر است.

اما در باب تاریخچه هنر ژاپن باید اذعان داشت که چگونگی نگرش به زیبایی نقشی تعیین‌کننده در شکل و محتوای آثار هنری ژاپن دارد؛ البته عوامل دیگری چون اسطوره‌های هر قوم و جریان‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و... نیز در این شکل و محتوا نقشی مهم دارند (مهرین، ۱۳۹۳: ۲۱). در واقع، بین صورت‌های متفاوت جهان‌بینی و مظاهر هنری، پیوندی درونی وجود دارد و رسالت هنر متعالی، زنده و اصیل، انتقال و ابلاغ ارزش‌های والای روحانی، معنوی و فضایل انسانی و ایجاد لذتی متعالی و جلوه‌گر ساختن ساحت الهی و تجلیات نامتناهی حق در محسوسات است و چون این تجلیات، بی‌نهایت و هر لحظه نو و نامکرر است، هنر اصیل نیز همواره نو و

بدیع خواهد بود. در هنر ژاپن، حیرتی که ناشی از شهود تجلیات نو به نو و بی‌نهایت الهی است، آشکار می‌شود و لذتی معنوی برای هنرمند و مخاطب در اثر به همراه دارد. هنر سنتی ژاپن پسندیده و معقول است و همین باعث تعالی نفس گشته و عالی‌ترین شعور دینی مردم را تحقق بخشد؛ انسان‌ها را باهم متحد سازد و روشنی، سادگی و اختصار از ویژگی‌های هنر سنتی ژاپن باشد (دله، ۱۳۸۱: ۱۱). با توجه به این دیدگاه، هنر ژاپن در سیر صعودی، یعنی کشف و ارائه تناسبات و نمایش زیبایی‌ها و تجلیات حق به شکلی محسوس و قابل ادراک؛ همچنین هنر آینه وجود هنرمند بوده و باید احساسات و عواطف لطیف و والای وی را به هر روش در اثر منتقل سازد و در نتیجه باعث پالایش عواطف مخاطب شود. در تمدن‌های شرقی، هنر از دیرباز در اکثر مواقع با دیدی شاعرانه، آیینی یا اساطیری همراه بوده متوجه نجات و رستگاری انسان است و سعی می‌کند انسان‌ها را به خداوند که زیبایی مطلق است، رهنمون سازد (استنلی بیکر، ۱۳۹۴: ۴۸). در این تمدن‌ها، هنر با میراث و بهره‌آزلی نسل‌ها پیوندی محکم دارد و بر خطاب الست گوش جان می‌سپارد. هنر سنتی ژاپن در عین سادگی و بی‌ریایی، با شکوه و رمزآلود است، همچنین با مذهب و باورهای مردم عجین شده و از نگرش الهی فاصله نگرفته است (استنلی بیکر، ۱۳۹۴: ۴۹). در مکتبی مثل ترانس مدرنیسم، هنرمند غربی به هنر شرق یا همان هنر سنتی ژاپن گرایش پیدا می‌کند. بدین صورت اگر در غرب جغرافیایی اثری هنری مطابق خصوصیات هنر سنتی ژاپنی خلق شود، آن اثر هنری در حیطه هنر شرقی قرار می‌گیرد؛ همان‌گونه که در شرق جغرافیایی نیز ممکن است آثاری هنری در مفهوم غربی با تاثیر از آن‌ها دیده شوند (زرندی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۷). در کل می‌توان گفت حقیقت زیبایی در هنر سنتی ژاپن متجلی می‌شود و از سویی هنر اصیل، خود خالق زیبایی است؛ نه تنها مقلدی صرف از طبیعت و نمادگرایی واقعیت.

مؤلفه‌های آموزش هنر در مدارس ایران

فقدان آموزش هنر سنتی در کتب تحت تدوین سبب شده است که این هنر رو به فراموشی سپرده شده یا اینکه در حوزه آموزش هنر سنتی، مواردی پیش پا افتاده یا دم‌دستی لحاظ شود. چه بسا که این آموزش در اختیار افراد نابلد نیز قرار گرفته و حیطه آموزش هنر سنتی به فراموشی سپرده شده است (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۲۱). مؤلفه آموزش هنر سنتی که اکنون در دست بررسی است از ملزومات یک آموزش پایه و اصولی است. با به کار بردن دقت بالای دانش‌آموز در کشیدن یک طرح سنتی با رعایت اصول و قوانین خاص مربوط به آن اثر، سبب بالارفتن دقت دانش‌آموز شده و با این شیوه یکی از اصولی‌ترین و پایه‌ترین نوع آموزش در هنر را به وی انتقال می‌دهیم. دانش‌آموز با غلبه بر سستی و تنبلی خود نسبت به درس هنر، میزان علاقه خود را در ترسیم یک اثر سنتی بالا برده و بالذت بیشتری به درس هنر و انجام تکالیف می‌پردازد (شجاع، ۱۴۰۰: ۲۱). اکنون ترسیم نقوش سنتی می‌تواند مشمول تمامی اصول و قواعد

هنری باشد که وی به صورت پیش فرض آن‌ها را آموزش می‌بیند. نقوش سنتی با داشتن پاره‌ای از اصول و قوائد خاص خود میزان توجه را در این فرایند بالا برده و حتی نوع رنگ آمیزی آن زمینه‌ساز یک اصول خاص خواهد شد. هیچ دانش آموزی بدون در نظر گرفتن این قوائد مشغول ترسیم نمی‌شود؛ چراکه وی آن دوران زنگ هنر و آزادی عمل را گذرانده و اکنون در بحث اصول و قوانین قرار گرفته است. با توجه به موارد ذکر شده باید دانست که تمام این اصول نیازمند عوامل بنیادی در آموزش و پرورش است (واثقی، ۱۳۹۷: ۸). عوامل بنیادی آموزش و پرورش استاندارد مربوط به عواملی می‌شود که نقش تعیین‌کننده و بنیادی در نظام آموزش و پرورش دارد و بدون وجود این عوامل آموزش و پرورش نقشی درستی ندارد یا اگر آموزشی هم باشد بدون فلسفه، بدون مبانی نظری درست، اهداف و اصول است. در این عامل، مؤلفه اصول آموزشی کارآمد با توجه به نظرهای خبرگان و کارشناسان دارای کمترین ضریب تأثیر در مدل و مؤلفه فلسفه آموزشی دارای بالاترین ضریب تأثیر مسیر در مدل آموزش و پرورش استاندارد و قبول است (میرزاآقایی، ۱۴۰۰: ۳۱).

از پیامدهای مثبت استانداردسازی آموزش هنر سنتی، می‌توان به جلوگیری از افزایش هزینه‌های آموزشی خارج از مدرسه، افزایش هماهنگی و کاهش تعارض میان دانش‌آموزان، پیش‌بینی رفتار و عملکرد کارکنان آموزشی، امکان پذیر بودن ارزشیابی و بهبود اقدامات و بهبود سطح فراگیران و معلمان اشاره نمود. باید افزود که آگاهی مدرسه نسبت به محیط یادگیری، چابک بودن در برابر تغییرات کلاسی، چند وجهی بودن یک مکان، توجه به ارزش‌های تک تک دانش‌آموزان که دارای فرهنگ آینده‌گرا بوده و همچنین افرادی با ویژگی‌های مثبت و دانش‌مدار را درگرو آموزش و پرورش استاندارد و مطابق یک معیار بزرگ به شمار می‌رود (میرزاآقایی، ۱۳۹۴: ۱۸). بسیاری از کارکنان بخش آموزش کارایی و اثربخشی استانداردهای آموزشی را متأثر از احساس نیاز و افزایش تقاضا و مشارکت و تعامل می‌دانند. باید دانست که معلم نقش مهمی در سلامت روانی همه دانش‌آموزان ایفا می‌کند و روابط انسانی در مدرسه را از عوامل مهم در تبیین ارزش‌ها می‌داند (افضل الحسینی، ۱۳۷۶: ۳۹). در این راستا می‌توان فقدان فرهنگ برنامه‌ریزی در سطح منطقه را از جمله مسائل در این حوزه نام برد. همسویی و هم‌اندیشی به طور صریح و مستقیم و مکاتبات مستمر است که دستیابی به آن دشوار است. بخشی از آن به دلیل تصورات مختلف دانش حرفه‌ای است. باین حال، این مطالعه استدلال می‌کند که ارزش اصلی استانداردها در فضای آموزشی به عنوان ابزار سیاستی است که در ظرفیت ایجاد گفت‌وگوی متقابل میان مؤلفه‌های متفاوت (شرح دوره، برنامه درسی، الزامات استاندارد، استانداردهای اعتباربخشی و غیره) آن‌ها وجود دارد (آرام علی، ۱۳۷۷: ۷۱).

تدریس را باید با الهام از عالم زیبایی‌شناسی، براساس رویکرد زیبایی‌شناسانه، هدایت و مدیریت کرد. به نوعی می‌توان گفت، معلم با الهام از عالم هنر همچون

هنرمند به فرایند تدریس می‌اندیشد و تصمیماتی فکورانه اتخاذ می‌کند تا بر یادگیری دانش‌آموزان تأثیری عمیق و پایدار بگذارد (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۴). براین اساس، برای پی بردن به تدریس با کیفیت باید به عالم هنر موشکافانه نگریست و ویژگی‌های آن را در کار تدریس به خوبی وارد کرد. از نظر آیزنر، هنرمندی صرفاً محدود به هنرهای زیبا نمی‌شود؛ بلکه هر چیزی که خوب ساخته شده باشد، خواه عملی و خواه نظری، متعلق به عالم هنر و محدود به زیبایی‌شناسی است (دوی، ۱۳۷۹: ۱۴). از دیدگاه وی، هنرمند برای موفق شدن، نیازمند خوب دیدن یا درک بسیار عمیق است؛ مانند تجربه مربوط به ارتباطات کیفی که در کار او بروز و ظهور پیدا می‌کند و موجب قضاوت‌هایی درست یا نادرست درباره آن‌ها می‌شود؛ لذا زیبایی‌شناسی در تدریس از همین منطق پیروی می‌کند و به درک عمیق معلم از پدیده‌های مربوط به آن اشاره دارد (دودی، ۱۳۷۹: ۱۵). معلم با الهام و اقتباس از عالم هنر و همچون هنرمندان، به ابعاد و ظرافت‌های کار خود اندیشیده و با توجه به شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای در موقعیت‌های گوناگون می‌تواند به خوبی تصمیم بگیرد و هوشمندانه وارد عمل شود. هوش تجربی یعنی اینکه معلم تجارب قبلی را به موقعیت‌های جدید اختصاص می‌دهد. این هوش با دانش و آگاهی‌های پیشین معلم ارتباط نزدیکی داشته و او را در حل مسائل جدید و تازه یاری می‌دهد. معلم در رویکردهایی با اتکا به هوش تجربی و براساس تجاربی که از پیش داشته، موقعیت جدید را کنکاش می‌کند و از دایره رویدادهای گذشته خارج نمی‌شود (هراتی، ۱۳۹۴: ۳۱). این در حالی است که معلمی که با رویکرد هنری - زیباشناسانه به تدریس می‌پردازد، علاوه بر اینکه همواره هوش تجربی را با خود در سرلوحه کار خود دارد، دغدغه عدم تطبیق و کاربرد تجربه قبلی (هوش تجربی) با یک موقعیت نو و تازه را نیز دارد و لذا در حل مشکلات ایجادشده، به گونه‌ای تفکرانه برخورد می‌کند و با استفاده از هوش تأملی، موقعیت را از جوانب و زوایای مختلف بررسی می‌کند. در نظام‌های آموزشی و برنامه‌های مختلف درسی همواره اهدافی از پیش تعیین‌شده، راهنمای تدریس برای عموم جامعه معلمین به شمار می‌آیند (مقرب الهی، ۱۳۹۱: ۱۳). اهداف هر برنامه درسی دانش‌آموز، نقشه راه معلم در جریان تدریس است. در رویکرد زیبایی‌شناسانه، معلم در اهداف و نتیجه کار در روش دخل و تصرف می‌کند و انعطاف به خرج می‌دهد. معلم با حسن استفاده از فرصت‌ها و تدابیری که می‌اندیشد، زمینه فراگیری هدف‌های بیشتری را برای یادگیری‌های بیشتر دانش‌آموزان برای درس هنر فراهم می‌کند، به عبارتی، معلم ممکن است در قالب فعالیت‌های یادگیری به بسط و گسترش اهداف بپردازد و ابعاد و لایه‌های تازه و جدیدی را به هدف‌های یادگیری درس خویش بیفزاید (سیف، ۱۳۹۸: ۳۱). به این ترتیب، حین انجام عمل و اقدامات آموزشی دست به ابتکار عمل زده و به اتخاذ تصمیماتی نیز نائل می‌آید. یکی از مهم‌ترین اقدامات آموزشی معلم به منظور دریافت بازخورد از فعالیت‌های مورد نظر، ارزشیابی کلاسی است. در بعد سنجش زیر

چتر رویکرد زیبایی‌شناسانه، سه نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. تنوع روش‌ها؛

۲. تأکید بر سنجش تدریجی، تکوینی و فرایندی؛

۳. تأکید بر داده‌های کیفی به جای داده‌های کمی.

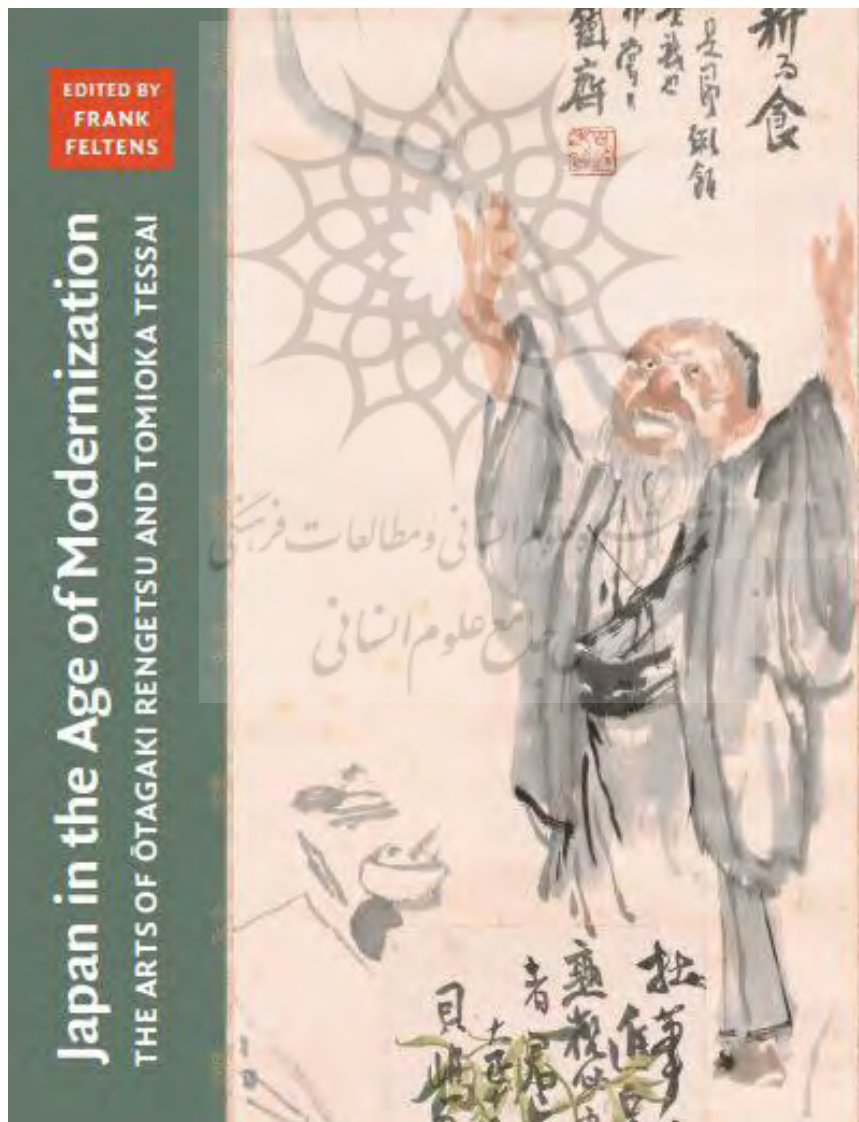
در رویکرد آموزش هنرهای سنتی، معلمان معمولاً ارزشیابی را به‌عنوان ابزاری برای مطالعه دانش‌آموز و دادن انگیزه به‌منظور اخذ نمره و رتبه بهتر می‌نگرند و هدف نهایی آنان، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از طریق امتحانات و آزمون‌های مکرر است؛ درحالی‌که در رویکرد زیبایی‌شناسانه آموزش محض هنر، معلم به درک عمیق‌تری از سنجش دست می‌یابد و آن را برای جرح و تعدیل اقدامات آموزشی خود به‌نحو احسن باید به‌کارگیرد (شعبانی، ۱۳۹۶: ۶۱). او در چنین وضعیتی، از ابزارهای متعدد سنجش کیفی استفاده می‌کند: پوشه‌های گزارش از فعالیت‌های درسی و کارهای عملی، انواع تکالیف و فعالیت‌های فردی و گروهی، فهرست‌های وارسی (چک‌لیست‌ها)، پروژه‌ها، گفت‌وگوها و اظهارنظرها، خودارزیابی‌ها و دگرارزیابی‌ها، کلیه بحث‌ها، پرسش و پاسخ‌ها و... معلم هنرمند انواع ابزارها و روش‌های سنجش را برای دریافت و ارائه بازخورد در مورد فعالیت‌های کلاسی به‌کار می‌گیرد (شعبانی، ۱۳۹۷: ۲۳). تنوع روش در سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان به افزایش اعتبار یافته‌ها می‌انجامد. ازسوی دیگر، در فرایند سنجش، دانش‌آموزان نیز می‌توانند درگیر شوند و از نتایج حاصل به نفع یادگیری‌های خود جهت ارتقای کیفی درس هنر استفاده کنند. به عبارتی، می‌توان گفت که داده‌های سنجش و ارزشیابی‌ها، از فرایند یاددهی - یادگیری حاصل می‌شوند. تدریس از منظر هنری - زیبایی‌شناسانه، آموزش هنر به‌عنوان یک حوزه یادگیری و کاربرد هنر در تدریس مانند کاربرد موسیقی در آموزش ریاضی، کاربرد نقاشی در آموزش علوم و... نیست؛ بلکه در تدریس هنر آن هم هنرهای سنتی یا نگاه زیبایی‌شناسانه به تدریس، الهام گرفتن از عالم هنر مدنظر است (قورچیان، ۱۳۸۹: ۱۹). به عبارتی، همان‌گونه که هنرمند در یک اثر هنری به ابعاد و ظرافت‌های آن به‌منظور ایجاد کیفیت و مطلوبیت می‌اندیشد تا اثری فاخر را خلق کند، معلم هنرمند نیز با دقت و تیزبینی و توجه به همه زوایای حرفه خود، کیفیت را در بالاترین مرتبه تعقیب می‌کند و این ویژگی، استفاده از هنر صرف به‌عنوان یک ابزار یادگیری یا تلفیق هنر در موضوع درسی نیست؛ بلکه عمل هنرمندانه معلم در مواجهه با موقعیت‌های کلاس درس است تا خشکی و کسالت‌بار بودن آموزش هنرهای سنتی را به بهترین نحو به دانش‌آموز انتقال دهد. این هنرمندی به تعبیر هربرت رید^۲ (۱۹۷۴)، به معنای انجام دادن تمام و کمال امور است (علامه جعفری نیز زیبایی‌شناسی و هنرمندی را تیزبینی و موشکافی در امور می‌داند (نوروزی و متقی، ۱۳۸۸: ۷۸) و آیزنر (۲۰۰۳) معتقد است که هنرمندانه بودن در هر کنشی، برترین شکل انجام دادن آن است. ازاین رهگذر در رویکرد زیبایی‌شناسانه، معلم هنرمند مدنظر است نه معلم متخصص هنر که در معنای نخست، کشف پیچیدگی‌ها

و رمزورموز حرفه تدریس، معلم را به‌سان هنرمندان به تمرکز و توجه دقیق دعوت در امر تدریس یاری می‌کند. از این منظر، معلم براساس شایستگی‌های تدریس هنرهای سنتی، انجام دادن بهترین شکل فعالیت‌ها را برای خود الزام‌آور می‌داند و آن را یک تکلیف بزرگ می‌پندارد. برای مثال، برای به‌روز کردن دانش و اطلاعات مربوط به تدریس تلاش می‌کند؛ همان‌گونه که یک هنرمند در آثار خود روزآمد می‌شود و موقعیت‌ها و اقتضائات جدید را مورد توجه قرار می‌دهد، او نیز تلاش خود را اضافه کرده و مازاد بر خلاقیتش، دانش‌آموز را به سمت بهترین نوع از هنر سنتی رهنمون سازد. از سوی دیگر، استفاده از رویکرد تدریس هنرهای سنتی در تدریس یک اتفاق از نوع همه یا هیچ یا صفر و یکی نیست. به عبارتی، هرچه معلم از این ویژگی‌ها و شایستگی‌ها بیشتر برخوردار باشد و در انجام وظایف حرفه‌ای، بیشتر به ابعاد و ظرایف کار خود توجه کند، تصمیمات بداهه، به‌موقع و مؤثر را در دستور کار قرار دهد و مطلوبیت و کیفیت را برای اقدامات آموزشی رقم بزند، رویکرد هنرمندانه‌تری را به کار گرفته است و متعاقب آن، تجارب دانش‌آموزان نیز زیبایی‌شناسانه و حساس‌تر خواهد شد.

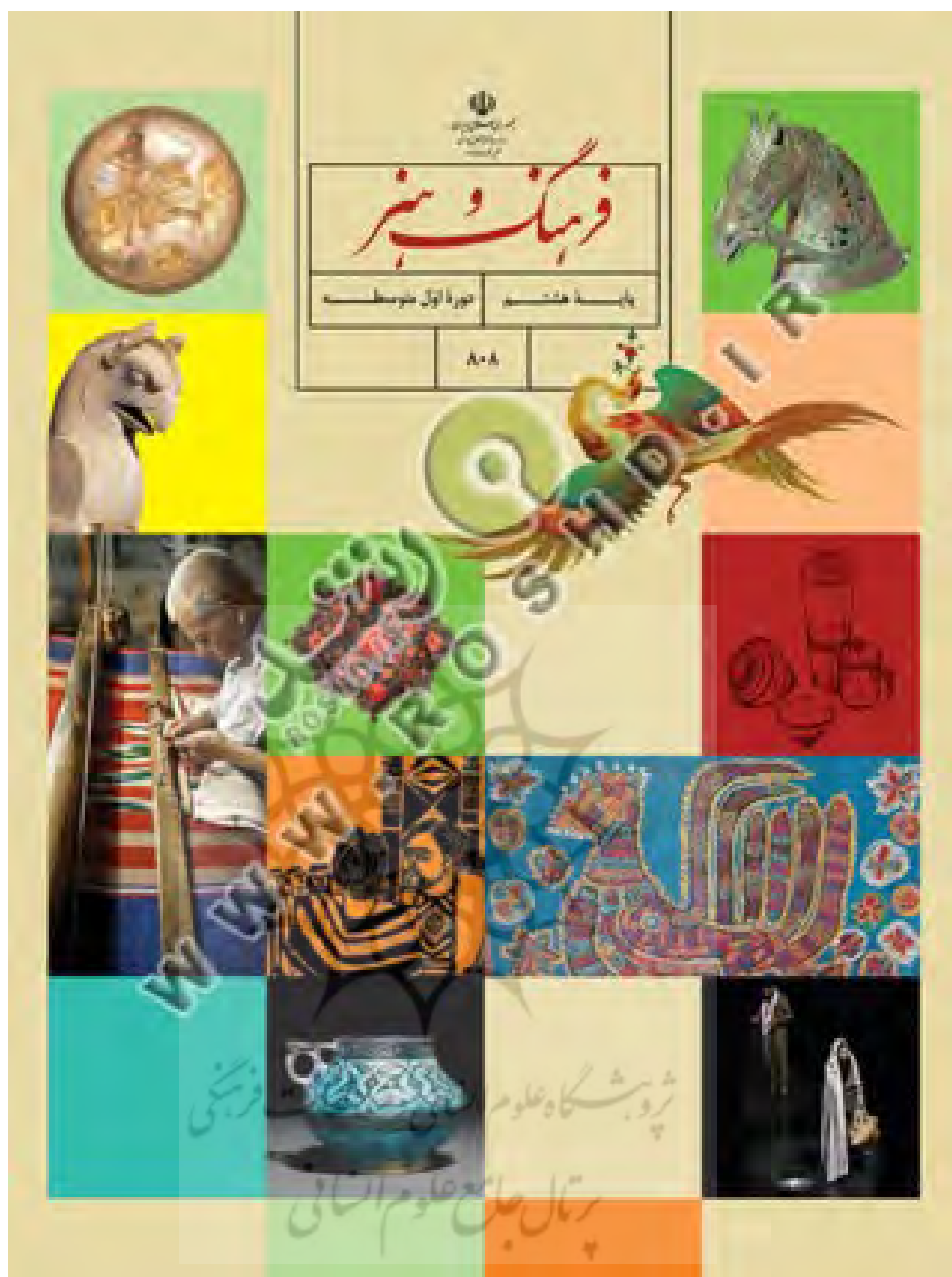
هدف از تدریس هنر در مدارس

در فرایند تعلیم و تربیت؛ براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یکی از مباحث مهم و کاربردی، تعلیم و تربیت زیبا شناختی و هنری دانش‌آموزان است و آموزش هنر در مدارس یکی از مؤلفه‌های مؤثر برای رسیدن به این مهم در امر یادگیری است. رشد فعالیت‌های هنری در مدارس موجب بروز خلاقیت و تقویت حس زیبا شناختی بین دانش‌آموزان می‌شود. به‌عنوان متولی امر آموزش همگانی هنر در مدارس (آموزش و پرورش) وظیفه تربیت و پرورش دانش‌آموزان پویا، خلاق، آشنا به فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی را به عهده دارد (شعبانی، ۱۳۹۶: ۴). اقدامی به‌جا و مؤثر برای محقق شدن پرورش دانش‌آموزانی هنرمند و خلاق، مقدمات و امکاناتی را می‌خواهد که آموزش و پرورش باعث تهیه و آماده‌سازی مقدمات و امکانات مورد نیاز برای درس هنر باشد. پس از گذشت سال‌ها کتاب هنر مدارس به کتاب فرهنگ و هنر تغییر نام داد و محتوای کتاب در چند بخش مجزا به معرفی هنرهای تجسمی، هنرهای خوش‌نویسی، هنرهای سنتی، هنرهای آوایی و هنرهای نمایشی پرداخته است؛ ولی به الزامات آموزش این رشته‌های هنری که شامل بسیاری از عوامل می‌شود به بعضی از بخش‌ها توجه نشده است. از جمله این بخش‌ها، آموزش هنرهای سنتی در قالب هنری نو و خلاقانه هستند. بررسی تأثیر نقش مدیران مدارس، تجهیزات و وسایل کمک آموزشی، کارگاه هنر و خلاقیت، تناسب تعداد دانش‌آموزان با فضای آموزش و عدم تناسب ساعت درس هنر با محتوای کتاب، عدم تهیه لوازم توسط دانش‌آموزان و ضرورت درس هنر در مدارس، استفاده از فناوری‌های^۳ نوین در ارائه درس هنر، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، استفاده از ظرفیت هنر برای پیشبرد اهداف آموزشی و تربیتی در مابقی

دروس، همه از عواملی هستند که مستلزم فراگیری این درس شد تا به بهترین نحو به آموزش هنر سنتی بپردازد (مقرب الهی، ۱۳۹۱: ۷). در یک بررسی اجمالی از جلد کتاب هنر در دو کشور مشخص است که هر دو کشور با پیش‌زمینه‌ای ذهنی از فرهنگ و سنت به نقشیینه کردن کتاب تدریس پرداخته‌اند؛ کشور ژاپن مسئله را جدی گرفته و همان‌طور که در تصویر شماره یک مشاهده می‌کنید با نقش‌پردازی از تکنیک آب‌مرکب به عنوان هنری نهادینه‌شده در ژاپن، به‌طور حرفه‌ای و مجزا به آموزش این روند در طول سال می‌پردازد. در تصویر شماره دو از جلد کتاب هنر قابل تدریس در ایران، اگرچه مانند نمونه ژاپنی درست عمل کرده و قدمت و فرهنگ ایران را به دانش‌آموزان نمایش می‌دهد؛ اما به‌مرور مطالب درسی پراکنده‌شده و دانش‌آموز به نوعی دچار سردرگمی از تعدد شیوه‌های آموزشی می‌شود که این امر منجر به فراموشی یا عدم تمرکز کافی وی در درس هنر می‌شود (سرکارآرانی، ۱۳۹۳: ۵۳).



تصویر ۱. جلد کتاب هنر در ژاپن. منبع: سایت آمازون. Amazon.com



تصویر ۲. جلد کتاب آموزش هنر در ایران. منبع: سایت رسمی مرجع کتب آموزش و پرورش.

شش عامل مشکلات تدریس هنر در مدارس اعم از: محتوایی، آموزشی، انگیزه‌ای، سخت‌افزاری، امتحانی و انتظار بالای در گرفتن نمره است و نگارنده به عوامل مؤثر در بهبود فرایند آموزشی هنر اشاره دارد. با توجه به بررسی سیستم آموزش و پرورش کشورهای موفق مانند ژاپن، عوامل موفقیت آن‌ها در امر تعلیم و تربیت را بررسی می‌کنیم، از جمله: به ایجاد محیطی جذاب، شاداب، دوستانه و با نشاط که بیشتر از آموختن مسائل علمی توجه می‌شود و مراکزی مانند موزه‌ها، نمایشگاه‌ها، سالن‌های تئاتر و سینما زیر نظر وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن اداره می‌شود تا بتوانند از ظرفیت هنر و فرهنگ در

رشد نشاط و شادابی دانش‌آموزان، بیشترین استفاده را ببرند. مساحت هر کلاس عادی در ژاپن ۷۴ متر است و مساحت هر مدرسه شش کلاسه ده هزار متر مربع است، توجه به فعالیت‌های گروهی، بازی، جشن‌ها، کاردستی، موسیقی، آشپزی، خانه‌داری و خیاطی و نظافت از شاخصه‌های مهم در مدارس ژاپن، خاصه مدارس ابتدایی است که با ورود دانش‌آموز به مقطع متوسطه اول، بار یادگیری دانش‌آموز بیشتر شده و رغبت وی برای این فراگیری بیشتر است. مدارس ژاپن اتاق موسیقی، استخر و سالن ورزش سرپوشیده دارند. امکانات سمعی و بصری لازم نیز در اختیار آن‌ها هست. پس باید با نگرشی جدید به آموزش و پرورش کشورمان، به دنبال ایجاد فضایی با نشاط، زنده، محیطی پویا و خلاق باشیم که یکی از عوامل رسیدن به این مهم در تعلیم و تربیت موفق، بهره گرفتن از هنر و گسترش فعالیت‌های هنری در مدارس است و مهم‌ترین مؤلفه و شاخصه توجه ویژه به آموزش درس هنر است. به عنوان شروع این پیش‌زمینه ذهنی، نوع صفحه‌آرایی‌های موجود در کتاب، خود نیز می‌تواند از نظر بصری، دانش‌آموز را ترغیب به یادگیری کرده و بستری مناسب جهت ادامه در زمینه هنری را برای وی فراهم آورد. به عنوان مثال در تصویر شماره سه، شروع آموزش هنر در کتاب‌های درسی ژاپن با اختصاص دادن یک صفحه کامل از یک تصویر آغاز گشته که علاوه بر پیش‌نمایشی از یک منظره هنری، سبب کم کردن خستگی چشم دانش‌آموز از دیدن جملات و گزافه‌گویی‌های بسیار می‌شود. در تصویر شماره چهار، موضوع نوع دیگری نمود پیدا می‌کند؛ کتاب هنر در ایران تنها یک فصل از پنج فصل را به آموزش هنرهای سنتی اختصاص داده که آن هم با جملات بسیار که در ادامه آن از دانش‌آموز خواسته شده کمی مانند تصاویر عمل کرده و به عنوان مثال جلد روغنی یا صفحه زیر لاکی بسازد. در وهله اول ترس و وارد شده بر دانش‌آموز از آن همه ظرافت به کاررفته در تصاویر، سبب فروکش کردن غرایز هنری وی گشته و در وهله دوم دانش‌آموز را به سمت مسیری سوق می‌دهد که باید مسیری سخت و طاقت‌فرسا را پیماید.

آشنایی با هنرهای سنتی ایران از طریق کتاب و در این مقاله به بررسی مسائلی پرداخته شده است که در این مقاله به آن‌ها اشاره شده است. در این کتاب به بررسی آثار و روش‌های تزیین در هنرهای سنتی ایران پرداخته شده است.



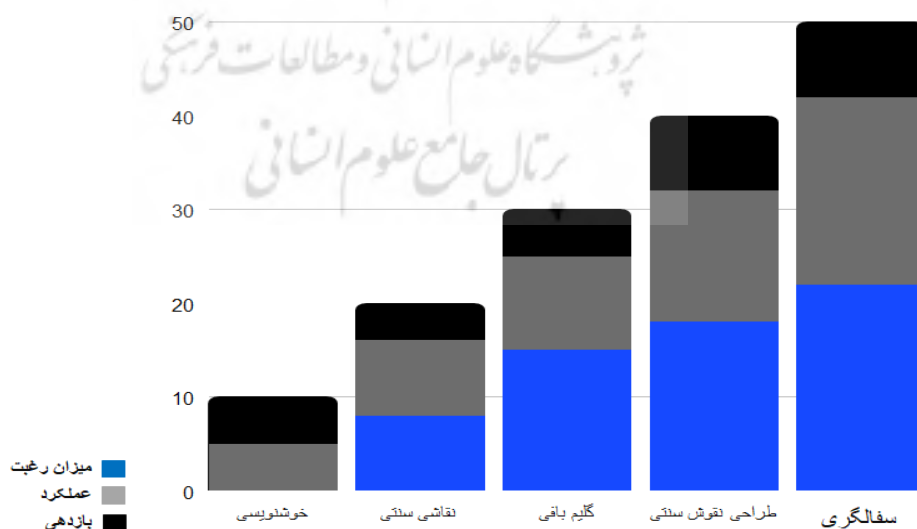
تصویر ۴. شروع فصل آموزش هنرهای سنتی در کتاب هنر ایران. منبع: سایت رسمی مرجع کتب آموزش و پرورش.



تصویر ۳. صفحات نخست کتاب هنر در ژاپن. منبع: سایت آمازون. Amazon.com

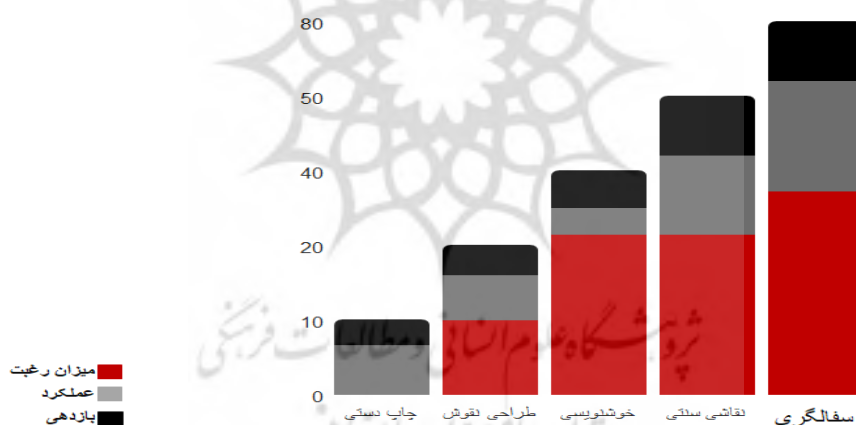
تأملی بر کتاب فرهنگ و هنر پایه متوسطه اول در دو کشور

مقطع متوسطه اول در یک برنامه‌ریزی چند ساله به صورتی نو و تازه بیان شد. برای مخاطبی که با این مسئله مأنوس نیستند، می‌توان گفت همان پایه راهنمایی در دهه شصت و کمی تا اواخر هفتاد است. با این تغییر کتب مدارس نیز تغییر کرده و کتاب هنر به نام کتاب فرهنگ و هنر تغییر رویه داد. در این مابین بررسی هنر سنتی کمی کم‌رنگ شد و بر همین منوال این پژوهش با توجه به ادامه روند تدریس هنر سنتی در ژاپن، مشغول نقد و بررسی کتاب حاضر شد (نمودار شماره ۱). در یک نگاه اجمالی به سه کتاب فرهنگ و هنر در سه مقطع (چاپ دهم، ۱۴۰۲)، آموزش هنرهای سنتی در پایه هفتم در بخش سوم، فصل اول شامل طراحی سنتی، فصل دوم شامل گلیم بافی و فصل سوم شامل سفالگری است. در همین مقطع در کتاب هنر ژاپن فصل اول گرایش سنتی و بومی و گرایش به مکاتب غربی، در فصل دوم، عشق به طبیعت، طراحی شهودی، تجسم رویدادهای زندگی، استفاده از رنگ‌های درخشان، درخت، گل، خانه‌ها و باغ‌های ژاپنی، شالیزارها و کوه‌ها را در قالب هنر سنتی می‌بینید. در فصل سوم این کتاب هم هنر سنتی در یک مبحث فلسفی قرار گرفته است، گویی تصویرگری خیال و ناخودآگاه دانش‌آموز مورد بحث است. در پایه هشتم در بخش سوم، فصل اول شامل طراحی سنتی نقوش، فصل دوم شامل بافت سنتی پارچه و فصل سوم شامل چاپ دستی است. در ردیف همین پایه در کتاب هنر ژاپن در قسمت آموزش هنرهای سنتی به صورت جامع یک بخش از کتاب در راستای آموزش این هنر با مضامین، مفاهیم، رنگ، ترکیب بندی و زاویه دید و سایر عناصر بومی و سنتی، فضایی نو برای دانش‌آموزان امروزی خلق کرده است.



بررسی آماری آموزش هنر در مدارس ژاپن

علاوه بر آن دو پایه تحصیلی در پایه نهم در بخش سوم، فصل اول شامل طراحی نقوش تزیینی، فصل دوم شامل هنرهای زیرلاکی و فصل سوم شامل سوزن دوزی‌های سنتی ایران است. در همین پایه در ژاپن تأثیر مکتب‌هایی چون امپرسیونیست و اکسپرسیونیسم را همراه با عناصر و روحیات ژاپنی در بخش هنرهای سنتی بررسی می‌شود. هنرمند ژاپنی، هنر غرب را در راستای عناصر سنتی در اثرش پروراند و به هنری ناب، خلاق و اصیل رسیده است (نمودار شماره ۲). با تمام تفاسیر بیان شده باید اذعان داشت که در طول تحصیل، هفته‌ای یک زنگ به آموزش هنر اختصاص دارد. در بعضی از مدارس ساعت هنر جایگزین کلاس تقویتی درس‌های دیگر می‌شود (این بیشتر در مقاطع بالاتر تحصیل اتفاق می‌افتد) و حتی در مدارس که هم زنگ هنر دارند، گاهی کلاس را معلم غیرمتخصص در زمینه هنر اداره می‌کند، کلاس هنر به بازی و تفریح یا کپی کردن یک طرح آماده می‌گذرد. دست مزد آموزش در ایران، دستمزد حداقلی است. اما فضاهای آموزشی برای معلمین هنری حقوقی کمتر از همین حداقل را در نظر می‌گیرد (حسین زاده، ۱۳۸۷: ۱۹).



نمودار ۲. بررسی آماری آموزش هنر در ژاپن (مأخذ: نگارندگان)

فرهنگ برنامه درسی هنرهای سنتی

موفقیت برنامه درسی مستلزم توجه توأمان به نیازهای فردی و نیازهای فرهنگی-اجتماعی فراگیران است؛ به طوری که علایق و ویژگی‌های فردی فراگیران و نیازهای آموزشی آن‌ها را پوشش داده و با شرایط فرهنگی-اجتماعی آن‌ها، سازگار باشد (مهرمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۷). براین مبنا، فرهنگ برنامه درسی که دربردارنده عقاید و معانی زیربنایی درباره تدریس و یادگیری و الزامات برنامه درسی است، متناسب با هر جامعه‌ای و برای پاسخ‌گویی نیازهای همان جامعه طراحی، اجرا و ارزشیابی می‌شود

(احمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۳). از جمله نیازهای دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول به فراگیری آموزش هنرهای سنتی؛ قبول التزامات مبنی بر رعایت اصول و قواعد هنری در کار است. دانش‌آموز با این آموزش‌ها، راه را برای هنرهای بهتر هموار می‌کند و هنرهای سنتی با رعایت اصول و قواعد خاص خود، دانش‌آموز را مجاب به فراگیری نظم در اثر و بهره‌گیری از خلاقیت خود می‌کند.

در یک جدول آماری، صفر تا صد علاقه‌مندی، مشخص است که معلمین هنر در ژاپن، با خلق تدابیری هنری در یک فضای آموزشی، چگونه میزان رغبت را در دانش‌آموزان بالا برده که سبب شکوفایی استعدادها و بروز نیازهای روحی آنان در طول دوره سه ساله اول تحصیلی در پایه متوسطه اول شده است. دانش‌آموزان مدارس متوسطه اول معمولاً یک دوره انتخابی از بین موسیقی، هنرهای زیبا، تولید صنایع دستی و خطاطی را کامل می‌کنند (جدول شماره ۱).

جدول ۱. نمونه‌ی آماری سه ساله مقطع متوسطه اول در ژاپن

پایه تحصیلی	هنرهای زیبا	هنرهای سنتی	موضوعات انتخابی	طول دوره مطالعه مجتمع
سال هفتم	۴۵	۴۵	۰-۳۰	۷۰-۱۰۰
سال هشتم	۳۵	۳۵	۵۰-۸۵	۷۰-۸۵
سال نهم	۳۵	۳۵	۹۵-۶۵	۷۰-۹۳

منبع: پورتال یونسکو (portal.unesco.org/culture/.../JAPAN.../AKIYAMA_TAKASU_JAPAN.doc)

همین جدول آماری در ایران نشان می‌دهد که اگرچه کتب آموزشی تغییر مناسبی کرده است، اما به دلیل عدم تمرکز کافی دانش‌آموز به اثر هنری و خستگی ناشی از یک فضای خشک و رسمی، سبب افول فکری و عدم دقت وی در کار گشته است. در هنرهای زیبا که شامل تصاویر جدید و انتخابی بوده، عملکرد دانش‌آموزان بهتر است (جدول شماره ۲).

جدول ۲. نمونه آماری تدریس هنر در مدارس ایران.

پایه تحصیلی	هنرهای زیبا	هنرهای سنتی	موضوعات انتخابی	طول دوره مطالعه مجتمع
سال هفتم	۵۵	۱۵	۰-۳۰	۷۰-۷۵
سال هشتم	۶۵	۳۵	۵۰-۵۵	۵۰-۶۵
سال نهم	۸۵	۴۵	۷۵-۶۵	۶۰-۸۰

(منبع: تحقیق میدانی زهرا ابراهیم پور)

همان‌طور که در این پژوهش نیز نشان داده شد، آموزش و پرورش تطبیقی حوزه‌ای بسیار گسترده است که موضوعات بسیار و رویکردهای پژوهشی رده‌بندی شده تحت مطالعات آموزشی را در بر می‌گیرد. هیچ رویکرد واحدی نیز برای مقایسه وجود ندارد که بتوان بر سر آن توافق کرد یا برای بیشتر شرایط مناسب باشد. یافته‌های پژوهش نشان از وجود تعامل بالا در تمامی سطوح سیاست‌گذاری آموزشی در کشور ژاپن دارد. وجود دولت‌های محلی و استقلال هیئت‌های آموزشی استان‌ها شهرها و مدارس در اجرای برنامه‌های آموزشی، نقش آفرینی جامعه مدنی در تدوین برنامه‌های آموزشی تمرکز بر آموزش عملی و کاربردی دانش‌آموز در اجتماع، تمرکز بر کار گروهی، مشارکت دانش‌آموزان در تمامی فعالیت‌ها و تأکید بر احترام به دیگران و فرهنگ‌های خارجی همه و همه در کنار هم باعث شده است. نظام آموزش و پرورش ژاپن به عنوان نمونه‌ای موفق از سیاست‌گذاری آموزشی در جهان مورد تحسین همگان قرار گیرد. ریشه تمام این موفقیت‌ها را نیز باید در راهبردهای کلان دولت ژاپن جست‌وجو کرد. تمرکززدایی سیاسی و اداری یکی از مهم‌ترین علل وجود تعامل بالا در تمام مراحل تصمیم‌گیری و اجرای نظام آموزشی ژاپن به شمار می‌آید. در مقایسه با نظام آموزشی ژاپن، آموزش و پرورش ایران علی‌رغم تمامی تلاش‌هایی که در جهت ارتقای آن صورت پذیرفته، موفقیت‌آمیز ظاهر نشده است. ریشه این ناکامی نسبی به پایین بودن سطح تعامل در اجزای مختلف نظام آموزشی ایران باز می‌گردد. تمرکز سیاسی و اداری قدرت باعث شده است تا تمام اجزای این نظام به صورت دستوری و از بالا به پایین طراحی شود. تجربه نشان داده که مشارکت تعامل و همکاری واقعی و نتیجه‌بخش را نمی‌توان از طریق آیین‌نامه‌ها به یک نظام تزریق کرد. امور آموزش و پرورش هر استان، شهر منطقه و مدرسه باید با نظر و تأیید شهروندان و به کمک صاحب‌نظران تعلیم و تربیت محلی انجام می‌گیرد. چنین نظامی مستلزم تمرکززدایی سیاسی و اداری در سطح کشور است.

نتیجه‌گیری

پژوهش درباره شیوه‌های آموزش هنرهای سنتی در ایران و ژاپن با تمرکز بر کتاب‌های هنر مقطع متوسطه اول به بررسی و مقایسه دو فرهنگ هنری باستانی و غنی می‌پردازد. این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو کشور، علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی، در حفظ و انتقال هنرهای سنتی خود به نسل‌های جوان توجه ویژه‌ای دارند. در ایران، آموزش هنرهای سنتی در کتاب‌های درسی بر مبنای حفظ و تداوم میراث هنری ملی استوار است. این کتاب‌ها با ارائه نمونه‌هایی از هنرهای سنتی مانند مینیاتور، خوش‌نویسی و هنرهای دستی، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با فرهنگ و هنر پیشینیان خود آشنا شوند. این رویکرد به شکلی عمیق به حفظ هویت فرهنگی و تقویت حس تعلق به میراث ملی کمک می‌کند. در عین حال، تمرکز بر مهارت‌های عملی و یادگیری تکنیک‌های سنتی، امکان یادگیری تجربی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌سازد.

در مقابل در ژاپن، آموزش هنرهای سنتی در کتاب‌های درسی بیشتر بر مبنای تلفیق سنت و مدرنیته انجام می‌شود. ژاپن با حفظ ارزش‌های سنتی خود، موفق شده است هنرهای سنتی را با روش‌های مدرن تلفیق کند. این رویکرد در آموزش هنرهای سنتی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از طریق درک هنرهای گذشته، راه‌های جدیدی برای بیان هنری خود پیدا کنند. کتاب‌های درسی هنر در ژاپن علاوه بر معرفی تکنیک‌های سنتی، بر خلاقیت و نوآوری نیز تأکید دارند و دانش‌آموزان را به تجربه و اکتشاف در دنیای هنر تشویق می‌کنند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو کشور ایران و ژاپن به هنرهای سنتی خود به‌عنوان بخشی از هویت ملی و فرهنگی خود اهمیت می‌دهند. در حالی که ایران بیشتر به حفظ و تداوم این هنرها توجه دارد، ژاپن رویکردی ترکیبی را انتخاب کرده که در آن هنرهای سنتی با مدرنیسم تلفیق شده‌اند. این دو رویکرد مختلف نشان می‌دهند که چگونه می‌توان از هنرهای سنتی به‌عنوان ابزاری برای تقویت هویت فرهنگی و ارتقاء خلاقیت در آموزش استفاده کرد.

به‌طور کلی، پژوهش حاضر تأکید می‌کند که برای حفظ و انتقال هنرهای سنتی، لازم است تا برنامه‌های آموزشی متناسب با فرهنگ و نیازهای جامعه طراحی شوند. ایران و ژاپن هر دو در این زمینه موفق عمل کرده‌اند، اما با رویکردهایی متفاوت که هر یک به نحوی منحصربه‌فرد به حفظ و ترویج هنرهای سنتی کمک کرده‌اند. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان الگویی برای دیگر کشورها در زمینه آموزش هنرهای سنتی مورد استفاده قرار گیرد و راهکارهای جدیدی برای تلفیق سنت و مدرنیته در آموزش هنر پیشنهاد دهد.

پی‌نوشت‌ها.

1. Elliot W. Eisner
2. Herbert Read
3. Technology

منابع و مأخذ

- ابراهیم‌پور، زهرا (۱۴۰۰). نمونه آماری تدریس هنر در مدارس ایران. اقدام پژوهی، دانشگاه فرهنگیان: گرگان.
- استنلی بیگر، جوان (۱۳۹۴). هنر ژاپن، ترجمه نسرين پاشایی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- امینی، محمد (۱۳۸۴). تربیت هنری در قلمرو آموزش‌وپرورش. تهران: انتشارات سراج.
- جوانعلی آذر، حسنیه (۱۴۰۰). جست‌وجوی ردپای آموزه‌های نظام تعلیم سنتی هنر در آموزش مدرن. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. مؤسسه آموزش عالی هنر و اندیشه اسلامی.
- حسین‌زاده، حجت‌الله (۱۳۹۸). نقدی بر کتب آموزش هنر دوره سه ساله راهنمایی تحصیلی کم‌توجهی به آموزش هنر یک مسئله ریشه دار است. روزنامه کیهان، دوره ۱۸۷: ۲۱-۲۳.
- حسینی، افضل‌السادات (۱۳۷۶). «خلاقیت دانش‌آموزان چگونه شکوفا می‌شود؟». روزنامه همشهری، دوره (۱۳۷): ۳۵-۳۹.
- دله، نلی (۱۳۸۲). ژاپن روح‌گريزان. ترجمه عسکری پاشایی، نسترن پاشایی، تهران: انتشارات روزنه.
- رستم بیگی، سمانه (ثمین) (۱۴۰۰). جهانی شدن در تولید و آموزش هنرهای سنتی. تهران: انتشارات هنرهای صناعی ایران.
- رهبری کهجوق، فریبا (۱۴۰۲). مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تاکستان، تاکستان. سرکارآرانی، محمد رضا (۱۳۹۳). آموزش‌وپرورش در قرن بیست و یکم. تهران: انتشارات پیوند.
- سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۸۱). اصلاحات برنامه درسی ملی ژاپن با تأکید بر رویکرد تلفیقی. تهران: فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. ۱(۱)، ۶۷-۸۸.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۸). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: انتشارات دوران.
- شجاع، مهرانگیز (۱۴۰۰). راه‌های پرورش خلاقیت. مجله معرفت، ویژه‌نامه علوم تربیتی، دوره ۹۲: ۳۷-۴۱.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۶). روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر). تهران: انتشارات سمت.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۷). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس). تهران: انتشارات سمت.
- طباطبایی، رؤیا‌السادات (۱۴۰۰). طراحی مدرسه هنرهای سنتی با الهام از فضاهای آموزشی سنتی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده هنر و معماری صبا، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- قورچیان، نادرقلی (۱۳۷۹). جزئیات روش‌های تدریس. تهران: مؤسسه فراشناختی اندیشه.
- کریمی، اکبر (۱۳۹۷). نقش هنر در فعالیتهای امور تربیتی. مجله نگاه وزارت آموزش‌وپرورش، دوره ۲۰: ۳۷۳-۳۷۹.
- زرنندی، ندا (۱۳۹۳). سادگی و سکوت در هنر ژاپن. تهران: انتشارات میردشتی.
- مقرب الهی، زهرا (۱۳۹۱). روش‌های نوین تدریس، دانشجو و دانشگاه. مجله نگاه وزارت آموزش‌وپرورش، دوره ۵: ۳۴۳-۳۵۱.

- مهر محمدی، محمود (۱۳۸۳). چپستی، چرایی و چگونگی آموزش عمومی هنر. تهران: انتشارات مدرسه. مهرین، مهرداد (۱۳۹۳). سرزمین سحرآمیز ژاپن. تهران: انتشارات بنگاه مطبوعاتی عطایی.
- میرزا آقایی، حمید (۱۴۰۰). ذهن دانش‌آموزان نیازمند تخیل فعال است. روزنامه اقتصاد - چهارشنبه ۲۹ آبان.
- ناظری، مهرداد (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی آموزش در ژاپن و ایران: ژاپن چگونه ژاپن شد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران، تهران.
- نصر، حسین (۱۳۸۳). راز و رمز هنر دینی. (مجموعه مقالات حسین نصر و علی لاریجانی). تهران: انتشارات سروش.
- نیلی، آرام علی (۱۳۷۷). خلاقیت و نوآوری در سازمان. مجله تدبیر، دوره ۸۵: ۱۳-۱۷.
- واثقی، مینو (۱۳۹۷). آموزش هنر برای رشته علوم تربیتی. تهران: انتشارات پیام نور.
- Amini, M (2004). Art training in the field of education. Tehran: Siraj Publications. [in Persian]
- Brave, J (2021). Ways to cultivate creativity. Marafet magazine, special issue of educational sciences, period (92): 37-41. [in Persian]
- Dele, N (2003). Japan is an elusive soul. Translated by (A. Pashaei, Nasterm Pashaei), Tehran: Rozeneh Publications. [in Persian]
- Ebrahimpour, Z (2020). A statistical sample of art teaching in Iranian schools. Action research, Farhangian University: Gorgan. [in Persian]
- Get My Prompt Library: https://bit.ly/J_Umma
- Gurchian, N, Q (2000). Details of teaching methods. Tehran: Metacognitive Institute of Andisheh. [in Persian]
- Hosseini, A (1997). "How does students' creativity flourish?". Hamshahri newspaper, period (137): 35-39. [in Persian]
- Hosseinzadeh, H (2018). "Criticism of the art education books of the three-year academic guidance course, lack of attention to art education is a deep-rooted issue". Kihan newspaper, period (187): 21-23. [in Persian]
- Joanali A, H (2022). "Searching for traces of the teachings of the traditional art education system in modern education". Master's thesis. Higher Education Institute of Islamic Art and Thought. [in Persian]
- Juniper, Andrew. (2003). Wabi Sabi: The Japanese Art of Impermanence - Understanding the Zen Philosophy of Beauty in Simplicity, Clarendon: Tuttle Publishing.
- Karimi, A (2017). The role of art in educational activities. Negah Magazine of the Ministry of Education, Volume (20): 379-373. [in Persian]
- Keene, Donald. (1971). Landscapes and Portraits: Appreciations of Japanese Culture, Tokyo: Kadansha.
- Mehr Mohammadi, M (2004). What, why and how to teach general art. Tehran: School Publications. [in Persian]
- Mehrin, M (2013). The magical land of Japan. Tehran: Atai Publishing House.
- Mirza Aghaei, H (2021). Students' minds need active imagination. Economy newspaper - Wednesday, November 29. [in Persian]
- Moqrab Elahi, Z (2012). "New methods of teaching, student and university". Negah Journal of the Ministry of Education, Volume (5): 351-343. [in Persian]
- Nasr, H (2009). The secret of religious art. (A collection of articles by Hossein Nasr and Ali Larijani). Tehran: Soroush Publications. [in Persian]

- Nazeri, M (2009). "Comparative Study of Education in Japan and Iran: How Japan Became Japan". Master's thesis, Tehran Faculty of Arts, Tehran.[in Persian]
- Nili, A, A (1998). Creativity and innovation in the organization. Tadbir Magazine, period (85):13-17.[in Persian]
- portal.amazon.co/culture/...JAPAN.../AKIYAMA_TAKASU_JAPAN.doc.
- portal.unesco.org/culture/...JAPAN.../AKIYAMA_TAKASU_JAPAN.doc.
- Richie, Donald. (2007). A Treatise on Japanese Aesthetics, Berkeley: Stone Bridge Press.
- Rostam Beigi, S (Samin) (2021). Globalization in the production and education of traditional arts. Tehran: Iranian Industrial Arts Publications.[in Persian]
- Sadao, Tsuneko S. (2010). Discovering the arts of Japan, New York: Abbeville Press Publishers.
- Saif, A, A (2019). Modern educational psychology: psychology of learning and education. Tehran: Doran Publications.[in Persian]
- Sarkararani, M, R (2014). Education in the 21st century. Tehran: Link Publications.[in Persian]
- Sarkararani, M,R (2008). Reforms of the Japanese National Curriculum with an Emphasis on the Integrated Approach. Tehran: Educational Innovation Quarterly.[in Persian]
- Shabani, H (2017). Advanced teaching method (teaching thinking skills and strategies). Tehran: Samit Publications.[in Persian]
- Shabani, H (2018). Educational skills (teaching methods and techniques). Tehran: Samit Publications.[in Persian]
- Stanley-Baker, J. (2014). Japanese Art. (Translated by N. Pashaei). Tehran: Art Academy.
- Stone, Jacqueline Ilyse. (1999). Original Enlightenment and the Transformation of Medieval Japanese Buddhism, Honolulu: University of Hawai'i Press.
- Tabatabaei, R (2022). "Designing a traditional arts school with inspiration from traditional educational spaces", master's thesis, Saba Faculty of Art and Architecture, Shahid Bahonar University, Kerman.[in Persian]
- The leadership of Kahjuq, F (2022). Studies in psychology and educational sciences, Takestan University, Takestan.[in Persian]
- Vaseghi,M. (2018). Art education for tertiary science majors. Tehran: Payam Noor publications. [in Persian]
- Zarandi, N (2014). Simplicity and silence in Japanese art. Tehran: Mirdashti Publications.[in Persian]